

مختصر و مفید نامه

۱۰ داستان منظوم ادبی کوتاه کوتاه

نالیف

بهرام بشیری

علی دانشور

سرشناسه	: بهرام بشیری، ۱۳۶۰ -
عنوان و پدیدآور	: مختصر و مفیدنامه : ۱۱۰ داستان منظوم ادبی کوتاه کوتاه / تألیف بهرام بشیری، علی دانشور.
مشخصات نشر	: تبریز: آناس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۰۳-۷۵-۹
عنوان گسترده	: صد و ده داستان منظوم ادبی کوتاه کوتاه.
موضوع	: شعر فارسی -- مجموعه ها
موضوع	: نکته گویری ها و گزیده گویری ها
شماره افزوده	: پورعلی دانشور، علی، ۱۳۶۳ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ م ۳/۵ پ IR۲۰۳۲
رده بندی دیسی	: ۸۵۱/۰۰۸
رده تابخانه ها	: ۳۵۰۷۹۳۰



انتشارات آناس

۱۱۰ داستان منظوم ادبی کوتاه

ناشر: نشر آناس / چاپ پرنیان خاکی امیر

تألیف : بهرام بشیری، علی پور علی

چاپ اول ۱۳۹۳ / ۱۲۸ صفحه / قطع رقعی / شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۰۳-۷۵-۹

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، نشر اختر

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

فقر چیست؟

بی‌خوابم بگویم؛

فقر، همه جا سر می‌کشد ...

فقر، گرسنگی است، عریانی هم نیست...

فقر، حتی گاهی زیر شمش‌های طلا خود را پنهان می‌کند ...

فقر، چیزی ندارد؛ است؛ ولی آن چیز پول نیست؛ طلا و غذا هم نیست ...

فقر، ذهن را مبتلا می‌کند

فقر، اعجوبه‌ای است که بشکوه نیست در عربستان را نه سر می‌کشد.

فقر، همان گرد و خاکی است که بر لباس‌های فروشنده‌ی یک کتابفروشی می‌نشیند.

فقر، تیغه‌های برنده ماشین بازیافت است که راننده‌های برگشتی را خرد می‌کند ...

فقر، کتیبه‌ی سه هزار ساله‌ای است که روی آن یادگار نوشته‌اند ...

فقر، پوست موزی است که از پنجره یک اتومبیل به خیابان ریخته می‌شود ...

فقر، همه جا سر می‌کشد ...

فقر، شب را بی‌غذا سر کردن نیست ...

فقر، روز را "بی‌اندیشه" سر کردن است ...

فهرست

- ۱۱ مقدمه
- ۱۳ آن یکی پرسید از آن شوریده ایام
- ۱۴ آن یکی پرسید اشتر را که هی
- ۱۵ روزی که همراه شد با بایزید اندر رهی
- ۱۶ سینه به سینه کی پیر دیدم
- ۱۷ یک خرّم را عروسی خواندند
- ۱۸ خری را ابلهی می
- ۱۹ در خاک بیلقان پرسید به
- ۲۰ کردم جوگذر شبی به قبرستان
- ۲۱ شنیدم که فرماندهی دادگر
- ۲۲ با بدان یار گشت همسر لوط
- ۲۳ زیر جهان‌دیده کردم سؤالی
- ۲۴ جز تو آدم بهشتش جای بود
- ۲۵ با بط می‌گفت ماهی در تب و تاب
- ۲۶ گفتم به خرد ای که تو را عقل نکوست
- ۲۷ نخستین باده کاندر جام کردند

- عشق آمد و گرد فتنه بر جانم بیخت ۲۸
- من بودم و دوش آن بت بنده نواز ۲۹
- ست معجون گر همه روی زمین ۳۰
- مهری را وقت کشتن می دوانید ابلهی ۳۱
- گفت یلی خلیفه کز تویی ۳۲
- به پیری رسید فصل بهار ۳۳
- شنیده که جشیده را بهشت ۳۴
- رفتم به طیب و گفتم از جان ۳۵
- پدر که جان عزیزش به لب رسید گفت ۳۶
- پرسید کسی منزل آن مهر گسل ۳۷
- دانی که چه گفت زال با رستم گردد ۳۸
- دوران بقا چو باد صحرا بگذشت ۳۹
- جوانی گفت پیری را چه تدبیر ۴۰
- به چین شد پیش پیری. مرد هشیار ۴۱
- با پسر لقمان چنین گفت: ای پسر ۴۲
- باغبانی بنفشه می انبود ۴۳
- حق تعالی گفت با موسی به راز ۴۴

- ۴۵..... شنیدم فریدون با فر و هوش
- ۴۶..... کرد مردی از سخندانی سؤ ال
- ۴۷..... یکی پیش شوریده حالی نبشت
- ۴۸..... دل گفت مرا علم گذشی هوس است
- ۴۹..... حیدر مدرسه آمد ز خانقاه
- ۵۰..... سید به زن شمه گفتا مستی
- ۵۱..... شنیدم کتافت حرگ بد
- ۵۲..... فرو کوفت پیر را ب
- ۵۳..... دو نفر دزد خری دزد اند
- ۵۴..... شنیدم که شبی، کزدمی ز مکر
- ۵۵..... بوسعید مهنه در حمام بود
- ۵۶..... ندانم کجا دیده‌ام در کتاب
- ۵۷..... مگر می‌رفت استاد مهنه
- ۵۸..... شخصی بد ما به خلق می‌گفت
- ۵۹..... دوش در خواب، من پیمبر را
- ۶۰..... دوستی گفت صبر کن ایراک
- ۶۱..... دوش با من گفت پنهان کاردانی تیزهوش

- ۶۲..... شنیدم گوسفندی را بزرگی.....
- ۶۳..... به شب حدّاج را دیدند در خواب.....
- ۶۴..... زال دنیا را پرسیدم من از فرزانه‌ای.....
- ۶۵..... لان گفتم ای پسر پدرت.....
- ۶۶..... عیسی به یحیی در لای گشته فتاده.....
- ۶۷..... یکی در میان کی یافت.....
- ۶۸..... همچنان در فکر و پیشه که نگذاشت.....
- ۶۹..... دل گفت به جان کای نیکو سر.....
- ۷۰..... مزرع سبز فلک دیدم و داس فیل.....
- ۷۱..... گفت با رویاه بچه مادرش.....
- ۷۲..... زبان کرد شخصی به غیث دراز.....
- ۷۳..... در مناجات با خدا، موسی.....
- ۷۴..... دید وقتی یکی پراگنده.....
- ۷۵..... جوانی با پدر گفت: ای خرمند.....
- ۷۶..... یکی فطره باران ز ابری چکید.....
- ۷۷..... آن شنیدستی که روزی تاجری.....
- ۷۸..... پادشاهی پسر به مکتب داد.....

- ۷۹..... از چاره کار پرستی کردم دوش
- ۸۰..... سحر بلبل حکایت با صبا کرد
- ۸۱..... صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت
- ۸۲..... با شب گفتم گر به مهت ایمان است
- ۸۳..... بلبل آمد پند عاشقان پیش گرفت
- ۸۴..... مرغی را بکس فسرده بدید
- ۸۵..... شنیدم افلاکون شهر روز
- ۸۶..... گفت در وقت گرسنگی
- ۸۷..... مرغی دیدم نشسته بر باغ توس
- ۸۸..... در کارگاه کوزه گری رفتم دوش
- ۸۹..... به قبرستان گذر کردم صبحی
- ۹۰..... چنین گفته است کسری بارید را
- ۹۱..... دوش مرغی به صبح می نالید
- ۹۲..... روزی به در می کده دیدم مستی
- ۹۳..... به دست آهن تفته کردن خمیر
- ۹۴..... گلی خوشبوی در حمام روزی
- ۹۵..... یکی را از مردان روشن ضمیر

- ۹۶..... یکی طفل دندانہ تر آورده بود
- ۹۷..... ز ره بازماندهای می گریست
- ۹۸..... سیر الفت گردن کشتی در عراقس
- ۹۹..... بر کس را شنیدم که غیبت رواست
- ۱۰۰..... یکی جوان کرد در خوش خوی بود
- ۱۰۱..... مگر دیده بودم که سیر و راغ
- ۱۰۲..... شنیدم که در زمره بران است
- ۱۰۳..... عیسی مریم به کوهی می رفت
- ۱۰۴..... آن شنیدی که گفت دمسازی
- ۱۰۵..... بوده است خری که دُم نبودش
- ۱۰۶..... آن مریدی پیش شیخی نامدار
- ۱۰۷..... به نادونی گر ختم کوره راهی
- ۱۰۸..... به گورستان سگذر کردم کم و بیش
- ۱۰۹..... آن شنیدی که رفت نادانی
- ۱۱۰..... شنیدم که دزدی در آمد ز دشت
- ۱۱۱..... دی پیر می فروش که ذکرش به خیر باد
- ۱۱۲..... به چشم خویش دیدم در گذر گاه

- ۱۱۳..... مرغی اندر شکار کرم بود
- ۱۱۴..... به سقراط گفتند کای هوشمند
- ۱۱۵..... از کوزه گری کوزه خریدم باری
- ۱۱۶..... پرسیدم ز پیری سال فرسود
- ۱۱۷..... دل نغمه ز عالم کون و فساد
- ۱۱۸..... کج گه کسب گری کردم رای
- ۱۱۹..... رویی ز روی راست
- ۱۲۰..... هرگز دل من ز عالم حرو
- ۱۲۱..... دانی که تو را خدا چه داد دست
- ۱۲۲..... به پُتکی گفت سندان کای بن گ
- ۱۲۳..... منابع و مأخذ

«تجربه ثابت شده است که انسان در طولانی مدت از شنیدن پند و موعظه خسته می شود و سر بر می تابد و در مقابل داستان را با جان و دل می پذیرد. لذا می برد و خواسته یا ناخواسته از آن تأثیر می پذیرد.

شاید یکی از دلایل ماندگاری آثاری چون بوستان و گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی، دیوانه های دیوانی، ... و در صدر همه آن ها، قرآن کریم همین رویت مدوق به زبان است.

گاه شاعران و نویسندگان به اثر نهاده و حقیقت را به زبان حیوانات مطرح کرده اند و به استناد یا به واسطه روایت حیوانات تأثیر بسزایی بر مخاطب خود گذاشته اند؛ سمک عیار، صرصر، کلبله و دمنه و منطلق الطیر از برجسته ترین این آثارند.

با:

۱. بهره گیری از شیوه قرآن کریم

و

۲. با پیروی از کلام حضرت امام علی (علیه السلام) که «بهترین سخن مختصر و مفید آنهاست.»

و

۳. با تکیه بر ادبیات غنی ایران زمین،

به کار دشواری دست زده‌ایم و یک صدوده داستان منظوم ادبی کوتاه کوتاه را از مجموعه ادب پارسی استخراج نموده‌ایم و تلاش کرده‌ایم که در تأیید آنچه نوشته‌ایم،

۱. عنوانی متناسب و قابل تأمل برگزینیم.

۲. لغات دشوار را آسان‌تر کنیم.

۳. از کتب و احادیث، شاعری متناسب بیان کنیم.

۴. شاعران، بیتی هم‌راستا مطرح سازیم.

۵. از بزرگان ادب، جملهای بیاوریم.

پیروز و سربلند باشید
بهرام بشیری - علی دانشور